

کتونه خارجی

کلونی در جشنواره فیلم ونیز درخشید و با شیر طلا به ترامپ تاخت

جورج کلونی ماموریت خود را مسحور کردن کل لیدو در جشنواره فیلم ونیز امسال قرار داده و



از دریافت شیر طلا تا حمله به ترامپ در این کار، حسایی موفق ظاهر شده است.

به گزارش مهر به نقل از آسوشیتدپرس، جورج کلونی در هشداد و سومین دوره جشنواره فیلم ونیز با دریافت شیر طلایی برای یک عمر دستاورد هنری تجلیل شد. وی که این جایزه را از دست لورا درن، بازیگر و در حالی گرفت که وی از او به عنوان یک «افسانه» یاد کرد، به عنوان منتقد قدیمی دونالد ترامپ بار دیگر به رئیس جمهور آمریکا تاخت، پیش از مراسم اهدای جایزه، کلونی با حضور در یک کنفرانس مطبوعاتی، به خبرنگاران گفت که آمریکا در حال حاضر یک «کتیستوکراسی» است؛ کشوری که توسط افراد کم‌صلاحیت اداره می‌شود. اما از آن عبور خواهیم کرد.

وی علاوه بر وضعیت آشفته سیاست در آمریکا به ظهور هوش مصنوعی و تلاش مداوم پارامونت برای ادغام با برادران وارنر، پرداخت و از مارک رافالو دفاع کرد، که توسط پارامونت به سخنان یهودستیزانه متهم شده بود، پس از آنکه این ستاره مارول به دلیل پیامدهای احتمالی این توافق برای هالیوود به آن حمله کرد و خانواده الیسون را به همدستی در «نسل‌کشی» علیه فلسطینیان متهم کرد. کلونی در مورد هوش مصنوعی پیش‌بینی کرد که «بخش بسیار بزرگی از این صنعت خواهد بود» و نگرانی خود از اینکه «از بسیاری جهات به ما آسیب برساند» را ابراز کرد و گفت: دوست ندارم ۲۰ سال پس از مرگم در تبلیغات تامپون حضور داشته باشم!

کلونی پیش از این هم در لیدو یک تاز بوده است؛ از جمله سال ۲۰۰۵ با فیلم «شب بخیر و موفق باشی» که در جشنواره ایتالیایی با تحسین فراوان به نمایش درآمد و جایزه فیلمنامه ونیز را از آن خود کرد و شهرت کلونی را به عنوان یک کارگردان شایسته تثبیت کرد. او اولین بار با فیلم «خارج از دید» ساخته استیون سودربرگ در سال ۱۹۹۸ در این جشنواره شرکت کرد و به جز «شب بخیر و موفق باشی» با «مایکل کلیتون» در سال ۲۰۰۷، «جاذبه» در سال ۲۰۱۳، «سابرینگان» در سال ۲۰۱۷، «گرگ‌ها» در سال ۲۰۲۴ و «جی کلی» در سال ۲۰۲۵ به این جشنواره بازگشت. کلونی سال پیش به دلیل ابتلا به عفونت سینوسی از حضور در کنفرانس مطبوعاتی فیلم «جی کلی» باز ماند.

فیلم‌های بوسان ۲۰۲۶ معرفی شدند

جشنواره بین المللی فیلم بوسان که از امسال به عنوان رویدادی واجد شرایط اسکار شناخته شده



است، فیلم «غذای نیمروز» مجید مجیدی را به عنوان یکی از فیلم‌های حاضر امسال در بخش رقابتی معرفی کرد. به گزارش مهر به نقل از رویترز، پارک کوانگ سو رئیس جشنواره بین‌المللی فیلم بوسان، در کنفرانس مطبوعاتی سی و یکمین جشنواره بین‌المللی فیلم بوسان، در اتاق بازرگانی و صنایع کره در مرکز سئول سخنرانی و از فهرست حاضران امسال رونمایی کرد. در این نشست اعلام شد در سی و یکمین دوره جشنواره که ماه آینده برگزار می‌شود، ۳۱۵ فیلم به نمایش درخواهد آمد. این فهرست شامل ۲۶۲ فیلم منتخب رسمی از ۵۹ کشور است که ۹۵ فیلم از آنها اولین نمایش جهانی خود را در این جشنواره تجربه می‌کنند. این فهرست که بزرگترین فهرست جشنواره از سال ۲۰۱۹ است، شامل فیلم مجید مجیدی از ایران هم است.

در این فهرست که شامل ۱۶ فیلم برتر آسیایی در بخش مسابقه بهترین فیلم جشنواره است، «غذای نیمروز» ساخته مجید مجیدی و «اولین طعم تنهایی» ساخته کارگردان چینی گو یو و نیز فیلم‌هایی از ازبکستان، اندونزی و تایوان جای دارند. از این میان ۱۲ فیلم اولین نمایش جهانی خود را تجربه می‌کنند، ۴ فیلم حاصل اولین کارگردان خود هستند و ۴ فیلم نیز ساخته فیلمسازی زن هستند.

این دوره در حالی برگزار می‌شود که فدراسیون بین‌المللی انجمن‌های تهیه‌کنندگان فیلم، بوسان را به عنوان یکی از ۱۷ جشنواره درجه یک خود انتخاب کرده و برنده جایزه بوسان برای بهترین فیلم، واجد حضور در اسکار برای بهترین فیلم بلند بین‌المللی نیز خواهد بود. بوسان در کنار ۵ جشنواره دیگر واجد شرایط اسکار شده است: رمی، برلین، ونیز، ساندنس و تورنتو.

گفت‌وگوی دوباره از چرای و

نحوه انتقال آرشپو غنی صداوسیمّا به خارج از کشور، بار دیگر تمهید اصلی شبکه «منوتو» را در بازسازی یک‌طرفه تاریخ معاصر به یاد می‌آورد؛ آرشپوی انحصاری که به سوخت‌رسان اصلی برنامه‌سازان این شبکه برای خلق یک فراواقعیت دستکاری‌شده از دوران پهلوی بدل شد.

به گزارش خبرآنلاین، «وارونه» نشان دادن واقعیات تاریخی؛ یکی از انتقاداتی است که کیوان عباسی و همسرش مرجان عباسی، بنیان‌گذاران شبکه تلویزیونی «منوتو» همواره با آن روبه‌رو بوده‌اند؛ از ۶ آبان ۱۳۸۹ که «منوتو» کار خود را با پخش برنامه‌های تفریحی آغاز کرد تا ۳ خرداد ۱۴۰۵ که خبر تعطیلی این شبکه تلویزیونی (برای دومین‌بار و تاکنون، آخرین بار) منتشر شد. این انتقاد با راه‌اندازی «منوتو۲» که از ۱۵ آذر ۱۳۸۹ با پخش فیلم‌های مستند شروع به کار کرد شکلی مشخص‌تر به خود گرفت و این‌گونه مطرح شد: انتقاد از فشاری «منوتو» به ارائه تصویری مثبت و بی‌نقص از سال‌های پیش از انقلاب و بازنمایی پهلوی به‌عنوان حکومتی که خود را ملزم به رعایت مقوله‌هایی چون آزادی بیان و عناصر آن شامل آزادی‌های فردی و اجتماعی، آزادی مطبوعات و رسانه‌ها، اصالت بخشیدن به احزاب و تکرثرگرایی، استقلال قوا و روابط سیاسی دوستانه با جوامع بین‌المللی می‌دانست و در آن هیچ نشانی از فساد، توزیع ناعادلانه ثروت و استبداد سیاسی وجود نداشت.

انتقادات اما تنها رو به خارج از کشور نداشت و داخلی هم بود. یکی از سویه‌های مشخص انتقادات داخلی، جدا از اشاره به نقش صداوسیمّا در زمینه‌سازی برای باورپذیری این «وارونه‌سازی واقعیات تاریخی» به تصاویر استفاده‌شده در مستندهای مذکور برمی‌گشت.

تصاویری آن‌قدر نخستین قسمت از سریال مورد انتظار «مرد ۳۰۰۰ چهره» که جمعه‌شب روی آنتن شبکه سه سیما رفت، بار دیگر «مسعود شصتچی» را پس از نزدیک به دو دهه به تلویزیون برگرداند؛ بازگشتی که از مدت‌ها قبل انتظارش می‌رفت و به واسطه نام مهران مدیری و خاطره موفقیت «مرد هزارچهره» و «مرد دوهزارچهره»، امید زیادی به آن وجود داشت.

روزنامه خراسان نوشت: با این حال، قسمت اول سریال دست‌کم نتوانست آن‌طور که باید این انتظاها را پاسخ دهد و واکنش‌های مثبتی برانگیزد. «مرد سه‌هزارچهره» در شرایطی به آنتن رسیده که مهران مدیری طی سال‌های اخیر کارنامه‌ای پرفرازونشیب داشته و بسیاری معتقدند فاصله او با دوران موفقیت‌های متوالی گذشته‌اش بیشتر شده است. حالا مدیری در بازگشتی دوگانه و در حالی که همزمان «شاه‌کل» را در نمایش خانگی دارد، با انتظارات فراوانی مواجه است.

از جمله لحظات قابل توجه قسمت اول «مرد ۳۰۰۰ چهره» حضور یک مهمان در پادکست پدر «مسعود شصتچی» بود که آشکارا پارودی جنتی شکوری به نظر می‌رسید و شباهت او با نمونه اصلی‌اش در فضای مجازی بسیار دیده شد. در همین بخش، شوخی با یکی از اشتباهات مشهور مسعود فراسی در برنامه «کتاب‌باز» نیز وجود دارد. این ارجاع‌ها که در قسمت اول توجهات بسیاری را به این اثر جلب کرد، یادآور یکی از ویژگی‌های قدیمی آثار مهران مدیری در پرداختن به سوزدها و چهره‌های اجتماعی و سیاسی زمانه است.

از جمله نکات جالب قسمت اول «مرد ۳۰۰۰ چهره»، حضور بازیگری جدید به نام بهی

دیده‌نشده که حتی تعجب خانواده پهلوی را برانگیخت. این تصاویر آن‌طور که در آن زمان گفته شد به آرشپو صداوسیمّا تعلق داشتند بی‌آن که –چه در آن زمان و چه اکنون– مشخص باشد که چگونه، چه زمانی و از طریق چه کسانی در اختیار برنامه‌سازان این شبکه قرار گرفتند. جدا از برنامه «تول زمان» با اجرای پانته‌ا مدیری که دقیق‌ترین مصداق به‌کارگیری



گروهی از اعضای هیئت مدیره شرکت پهلوی

کتبیک «سیاست– سرگرمی» در شبکه «منوتو» بود؛ اثری در ظاهر سرگرم‌کننده که با مرور برنامه‌های تلویزیونی، مجلات و رویدادهای فرهنگی دهه ۵۰ و پیش از انقلاب حسرت گذشته را در مخاطب فعال می‌کرد، پنج مستند شاخص این شبکه شامل «از تهران تا قاهره»، «۳۷ روز»، «رضاشاه»، «آدرس: بهارستان» و «هرگز نخواست کوروش»؛ تمهیدات رسانه‌ای را در بازسازی واقعیت‌های تاریخی و بازنمایی یک‌طرفه حوادث معاصر آشکار می‌ساخت.

«از تهران تا قاهره»؛ قطبی‌سازی تصویر تاریخی و مظلوم‌سازی شاه

مستند «از تهران تا قاهره» با

هنر و سینما

مهندسی حافظه جمعی با آرشپو صداوسیمّا

و سرکوب‌های قبل از انقلاب فرح پهلوی درباره ناآرامی‌های سال ۱۳۵۷ تا زمان مرگ محمدرضا پهلوی ساخته شده بود. این روایت با نمایش تصاویر آرشپوی و مصاحبه‌های خبری وقت ترکیب شده بود و لحنی عاطفی و یک‌جانبه به خود می‌گرفت. ساختار متنی این مستند بر پایه تکنیک قطبی‌سازی شکل گرفته بود؛ به این معنا که

مستند «۳۷ روز» به بررسی دوران نخست‌وزیری شاپور بختیار و ماه‌های پایانی حکومت پهلوی می‌پرداخت. در این مستند، با تمرکز بر گفت‌وگو با همراهان بختیار، سعی می‌شد او به عنوان یک «قهرمان ملی»، «نماد دموکراسی» و فردی کاملاً مستقل از دربار» بازنمایی شود. رهابرد این مستند بر این فرضیه استوار بود که بختیار تمام خواسته‌ها و مشکلات منطقی معترضان (مانند انحلال ساواک و آزادی زندانیان سیاسی) را برطرف کرده بود؛ بنابراین استمرار حرکت اعتراضی مردم در آن برهه، حرکتی «غیرمنطقی» جلوه داده می‌شد. هدف پنهان این الگوی روایی، اصلاح‌پذیر نشان دادن ساختار حکومت پهلوی و زیر سوال بردن ضرورت تغییر رژیم بود.

«رضاشاه»؛ مشروعیت‌بخشی با تاکید یک‌جانبه بر نوسازی

مستند «رضاشاه» به چگونگی به قدرت رسیدن و اقدامات رضا پهلوی از پایان سلسله قاجار تا تبعید او می‌پرداخت. روایت این مستند صرفاً بر پایه کارهای عمرانی، اداری و خدماتی (مانند احداث راه‌آهن، شهرپانی، دانشگاه و دادگستری) تنظیم شده و اقداماتی چون سرکوب‌های ایلی و اختناقات مدنی در شیوه حکمرانی او سانسور می‌شد. تکنیک‌های به‌کاررفته در این اثر بر پایه سه محور اصلی شکل گرفته بود: نخست، «مشروعیت‌بخشی تاریخی» از طریق برجسته‌سازی همراهی برخی رجال و افراد با رضاخان تا صعود او به قدرت به عنوان خواستی عمومی و یکپارچه بازنمایی شود. دوم، «تطهیر اقدامات دستوری» تا تصمیمات چالش‌برانگیزی چون اجباری شدن کارکرد فرهنگی، نه اقداماتی قهری، … ادامه در همین صفحه

مرد ۳۰۰۰ چهره را زود قضاوت نکنیم

برخی آثار او در گذشته نشان داده‌اند که گاهی پس از ۱۵ یا ۲۰ قسمت به اصطلاح موتور سریال مهران مدیری روشن می‌شود. با این حال، «مرد سه هزار چهره» از این نظر شرایط متفاوتی دارد. این مجموعه که تنها ۱۵ قسمت دارد، قرار نیست مانند «قطب‌های



برره» با ۱۰۰ قسمت فرصت کافی برای آزمون و خطا و شکل گرفتن تدریجی جهان داستان داشته باشد. به همین دلیل، اگرچه قسمت اول را نمی‌توان مبنای قضاوت نهایی درباره سریال دانست، اما شروع نه‌چندان امیدوارکننده «مرد سه‌هزارچهره» هم نکته‌ای نیست که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت. مهران مدیری برای بازگشت به روزهای اوج، این بار فرصت بسیار کمتری نسبت به گذشته دارد؛ بازگرداندن «مسعود شصتچی» به تلویزیون به تنهایی کافی نیست و مخاطب از این شخصیت محبوب، چیزی بیشتر از تکرار شوخی‌ها و موقعیت‌های آشنای گذشته انتظار دارد.

آمده‌اند. گریه‌های متوالی مادر شصتچی هم از دیگر شوخی‌هایی است که ظرفیت بیشتری برای خنداندن ایجاد نکرده، هرچند حضور غلامرضا نیکخواه در نقش پدر «مسعود شصتچی» جالب توجه است و نشان می‌دهد ظرفیت مناسبی برای خنداندن مخاطب دارد. به نظر می‌رسد قسمت اول «مرد ۳۰۰۰ چهره» برای سریالی که با چنین پشتوانه‌ای به تلویزیون آمده، شروع چندان درخشانی نداشته. هرچند هنوز شاید زود باشد که درباره سرنوشت مجموعه قضاوت نهایی کرد و ممکن است قصه در قسمت‌های آینده جان بگیرد، کما این که

PDF Compressor Free Version

۶

کتونه داخلی

قرار انجمن سینمای جوان به سومین دیدار رسید

سینمای جوانان ایران، سومین باکس فیلم‌های کوتاه در سینماها به نودی اکران می‌شود. به گزارش خبرآنلاین به نقل از روابط عمومی انجمن سینمای جوانان ایران؛ در سومین «قرار»، فیلم‌های کوتاه «خداحافظ آشغال» به کارگردانی بهمن و بهرام ارک و تهیه‌کنندگی مهدی بدرلو، «و زندگی برای همه» به کارگردانی محسن اصدق‌پور و تهیه‌کنندگی انجمن سینمای جوانان و محسن اصدق‌پور و «در چشمان یک عاشق» به کارگردانی رضا پردل و تهیه‌کنندگی رضا پردل و انجمن سینمای جوانان ایران روی پرده خواهند رفت.

«خداحافظ آشغال» ساخته برادران ارک نیز روایت پیرزنی است که برای گریز از تنهایی، خواب‌های خود را برای آب روان بازگو می‌کند و در ادامه با تجربه‌ای متفاوت و شگفت‌انگیز مواجه می‌شود. فیلم کوتاه «و زندگی برای همه» نیز داستان مردی را روایت می‌کند که پس از یک اقدام ناموفق به خودکشی، در عالم خیال به دنبال دلیل زنده ماندن خود می‌گردد. «در چشمان یک عاشق» داستان باران، دختر پیاپیستی را روایت می‌کند که به دندان‌پزشک خود علاقه‌مند شده و با نزدیک شدن به پایان جلسات دندان‌پزشکی، دغدغه اصلی او این است که چگونه می‌تواند همچنان دکتر را ببیند. سومین اکران «قرار» به همت انجمن سینمای جوانان ایران و پخش توسط موسسه سینمایی بهمن سبز با نمایش این سه فیلم کوتاه برگزار خواهد شد. زمان و جزئیات اکران متعاقباً اعلام می‌شود و بلیت‌های این نوبت نیز به‌زودی از طریق درگاه‌های فروش بلیت در دسترس مخاطبان قرار خواهد گرفت.

نامزدهای ایرانی جایزه اندرسن معرفی شدند

شوای کتاب کودک، رضا دالوند را در بخش تصویرگری و احمد اکبرپور را برای دومین بار در بخش نویسندگی به عنوان نامزدهای ایرانی جایزه جهانی هانس کریستین اندرسن ۲۰۲۸ در دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان (IBBY) معرفی کرد.

به گزارش ایسنا، دالوند جوایز و افتخارات بسیاری همچون جایزه بزرگ موزه کتاب تصویری اویشما در ژاپن و قلم طلای بلگراد را به دست آورده و در مسابقه بین‌المللی تصویرگری نامی در کره جنوبی نیز مورد تقدیر قرار گرفته است. آثار او در چندین دوره از نمایشگاه تصویرگران بولونیا انتخاب شده‌اند و همچنین در فهرست کلاژ سفید کتابخانه مونخ در سال‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته‌اند. دالوند چهار دوره نیز نامزد جایزه یادبود آسترید لیندگرن بوده است. در تصویرگری‌های رضا دالوند، خلاقیت و برخورداری از زبان بصری شخصی در کنار توجه به ویژگی‌های هر متن، اهمیت دارد. او برای هر اثر، متناسب با فضای داستان و مخاطب، شیوه‌ها و تکنیک‌های متفاوتی را تجربه می‌کند و در بسیاری از کتاب‌هایش تصویر روایتی مستقل شکل می‌دهد. توجه هم‌زمان به

شخصیت‌ها، فضا و جزئیات، در کنار نگاهی ساده و یکپارچه به تصویر، از ویژگی‌های قابل توجه آثار اوست. احمد اکبرپور بیش از چهل سال در عرصه ادبیات کودک و نوجوان فعال است و بیش از پنجاه عنوان کتاب برای کودکان و نوجوانان به چاپ رسانده است. ارزش‌های جهان‌شمول مانند دموکراسی، پذیرفتن تفاوت‌های انسانی، صلح و دوستی، توجه به محیط زیست، توجه به ویژگی‌ها و نیازهای کودکان و نوجوانان، مفهوم تفاوت و پذیرش آن در زندگی در آثار او بازتابی نیادین دارد. اکبرپور تاکنون موفق شده است، ۳۵ جایزه داخلی و خارجی را دریافت کند و به فهرست‌های معتبر جهانی راه یابد. جایزه هانس کریستین اندرسن که به نوبل کوچک معروف است هر دو سال یکبار به مجموعه آثار یک نویسنده و یک تصویرگر، برای یک‌عمر فعالیت حرفه‌ای در حوزه ادبیات کودک، از سوی دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان (IBBY) اهدا می‌شود. تداوم در تولید ادبیات کودک، خلق آثار بدیع، اصیل و هنرمندانه و داشتن سهمی پایدار در پیشبرد ادبیات کودک جهان از معیارهای انتخاب نویسنده‌ها و تصویرگران است. در دوره‌های گذشته هوشنگ مرادی کرمانی، محمدرضا یوسفی، محمدصادق محمدی، احمدرضا احمدی، فرهاد حسن‌زاده و جمشید خانیان، نویسندگانی بودند که به عنوان نامزدهای بخش متن جایزه جهانی هانس کریستین اندرسن معرفی شدند. در این میان هوشنگ مرادی کرمانی مورد تشویق داوران قرارگرفت. احمدرضا احمدی، فرهاد حسن زاده و احمد اکبرپو به فهرست پنج نویسنده برتر جهان راه پیدا کردند. همچنین در بخش تصویرگری، فرشید مثقالی، نسرن خسروی، محمدعلی بنی‌اسدی، پژمان رحیمی زاده و فرشید شیععی تصویرگرانی بودند که به عنوان نامزدهای بخش تصویر جایزه جهانی هانس کریستین اندرسن معرفی شدند. در این میان فرشید مثقالی تنها برنده ایرانی این جایزه است و محمدعلی بنی‌اسدی و پژمان رحیمی زاده به فهرست پنج تصویرگر برتر جهان راه پیدا کردند.

ادامه از همین صفحه...

بلکه از الزامات تجدد و وطن‌پرستی قلمداد گردد و سوم، «سیاه‌نمایی مطلق گذشته» که در آن دوران قاجار یک‌سره ویرانی و سیاهی تصویر می‌شد تا اقدامات بعدی حالتی نجات‌بخش به خود بگیرد.

«آدرس: بهارستان»؛ تقلیل تاریخ سیاسی به منازعات درون‌ساختاری

مستند «آدرس: بهارستان» با مرور بر دوره‌های مختلف مجلس شورای اسلامی، عملکرد سیاسی پس از انقلاب را هدف بررسی قرار می‌داد. برخلاف مستندهای پهلوی‌محور که بر «اقدامات ساختارمّانی و عمرانی» تمرکز داشتند، در این اثر تحلیل ارائه‌شده صرفاً به بررسی «اختلافات سیاسی و صف‌بندی‌های جناح‌ها» محدود شده بود و تاریخ سیاسی و اجتماعی پس از انقلاب به نزاع مستمر بر سر قدرت، حذف مخالفان و کشمکش‌های داخلی تقلیل داده می‌شد. همچنین تمامی چهره‌ها و نهادهای قانونی کشور به عنوان ساختارهای یک‌دست برای محدودسازی آزادی‌های مدنی معرفی می‌شدند.

«هرگز نخواست کوروش»؛ پیوند زدن سلطنت به تاریخ باستان

این مستند به روایت جزئیات برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در سال ۱۳۵۰ پرداخت. روش‌های به‌کاررفته در این مستند مجموعه‌ای پیوسته از تمهیدات رسانه‌ای بود؛ نخست با «طبیعی‌سازی» حکومت پهلوی را به تاریخ ۲۵۰۰ ساله هخامنشیان و کوروش پیوند می‌زد تا ساختار حکومت سلطنتی به عنوان تنها شکل طبیعی حکمرانی در ایران جلوه داده شود. سپس با «کوچک‌نمایی هزینه‌ها»، هزینه این جشن‌ها را در مقایسه با بودجه تشریفاتیی سایر کشورها ناچیز نشان می‌داد و دستاوردهایی مانند ساخت مدرسه یا هتل را به عنوان پیامدهای اصلی مطرح می‌ساخت. در نهایت نیز با «حذف مخالفت‌ها» علت اعتراضات را صرفاً به شایعات یا نگرانی کشورهای خارجی از پیشرفت ایران منتسب می‌کرد.

وقتی آرشپو به ابزار روایت تبدیل می‌شود

با مرور این برنامه‌ها، مسئله تنها محتوای یک مستند یا یک برنامه تلویزیونی نیست؛ مسئله مهم‌تر، چگونگی انتخاب و کنار هم قرار دادن عناصر تاریخی است. هیچ تصویر آرشپوی به خودی خود تمام حقیقت یک دوره تاریخی را روایت نمی‌کند. انتخاب یک تصویر، حذف تصویر دیگر، انتخاب مصاحبه‌شونده، نوع موسیقی، ترتیب تدوین و حتی عنوان برنامه می‌تواند بر برداشت مخاطب اثر بگذارد. از همین منظر، منتقدان «منوتو» معتقد بودند این شبکه با استفاده از آرشپو تصویری غنی و کمتر دیده‌شده، امکان ساختن روایتی بسیار اثرگذار از گذشته را پیدا کرد؛ روایتی که برای مخاطبی که تجربه «سوسه»، «جگده»، «طن‌پرستی» و «آرامش» داشته، می‌توانست به یکی از مهم‌ترین منابع شناخت گذشته تبدیل شود. این موضوع زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که بدانیم بخش بزرگی از مخاطبان جوان «منوتو» اساساً دوران پهلوی را تجربه نکرده بودند و شناخت آنها از آن دوره بیشتر از طریق تصاویر، خاطرات و روایت‌های رسانه‌ای شکل می‌گرفت. در چنین شرایطی، تصاویر آرشپوی فقط «سند» نیستند؛ سخوشان بخشی از روایت‌اند.

ساخت «فرا واقعیت» تصویری به جای حقیقت تاریخی

بازخوانی این آثار نشان می‌دهد که بازنمایی‌های صورت‌گرفته فراتر از یک مستندنگاری ساده تاریخی بود. این برنامه‌ها با ترکیب تصاویر آرشپوی و روایت‌های جهت‌دار، آنچه در ادبیات رسانه‌ای «فرا واقعیت» نامیده می‌شود را خلق کردند؛ تصویری بازسازی‌شده و دستکاری‌شده که به مرور جایگزین اصل واقعیت تاریخی می‌شود. در این چرخه روایی، حکومت پهلوی همواره با مفاهیمی چون «سوسه»، «جگده»، «طن‌پرستی» و «آرامش» توصیف شده و طرف مقابل با عناوین یک‌طرفه‌ای همچون «خشونت»، «غیرمنطقی بودن» و «عقب‌گرد» بازنمایی می‌شدند. در نهایت، تحقق این اهداف رسانه‌ای بدون دسترسی به آرشپو غنی تصویری صداوسیمّا ممکن نبود. در واقع، دستیابی غیرقانونی و مهم این شبکه به سندهای دیداری و شنیداری ملی، سوخت‌رسان اصلی ماشین روایت‌سازی آن‌ها بود تا با مونتاژ گزینشی این دارایی‌های آرشپوی، تصویری واقع‌نما خلق کنند که مهم‌ترین ابزارشان برای مهندسی ذهنی مخاطب شد.